



A Study of the Effects of Political, Social and Cultural Participation on Political Development in Markazi

10.30495/PIR.2023.1981310.3614

Forouzan Keyvanfar¹, Mohammadhossein Pouryani^{2*}, Hassan khairi³

Received:2023/08/31

Accepted:2023/09/29

Research Article

Abstract

The increasing spread of social gaps in the heterogeneous society of Israel and casting doubts on identity symbols of Zionism have challenged the ontological security of this regime. By applying racial discrimination policies, Zionism has faced social elements with structural separation, it has reduced the desires of social forces to support this regime. Assuming various gaps in Israel and with a descriptive-analytical method, the present article answers the question, in Constructivism theoretical framework, that what is the role of identity crisis in formation of the Israelite ontological insecurity? According to the findings, inability to resolve the problems and gaps resulting from internal, have led to make the structure of this regime security-oriented. The formation of this securitized environment along with the use of violence emanating from the Zionist ideology has caused Israel to have a strong tendency to belligerence in such a way that threats and tension have become a part of the ontological security of this government, and the efforts to security been included in Israel's foreign policy. Solving the crisis of ontological insecurity requires a change in the rigid Zionist approach to a soft approach, as well as going through the process of making the government non-security-oriented.

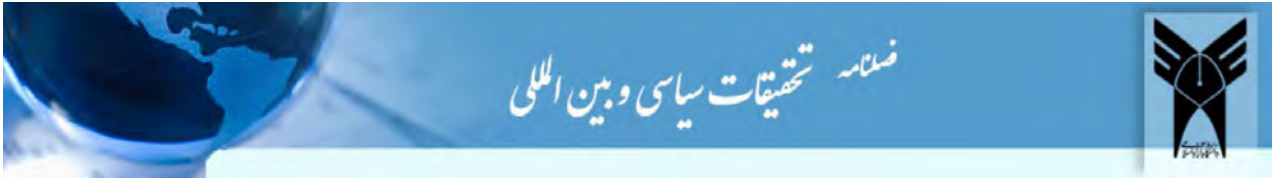
Keywords: Foreign Policy; Identity Crisis; Israel; Ontological Insecurity; Social Gaps; Zionism

Keyvanfar, F., Pouryani, M. H., & khairi, H. (2023). A Study of the Effects of Political, Social and Cultural Participation on Political Development in Markazi. *Journal of Political And International Research*, 15(55), pp. 29-42.

¹ Ph.D. in Political Sociology, Islamic Azad University, Naraq branch. f.keyvanfar@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Political Sociology, Islamic Azad University, Naraq branch. (Corresponding Author) mhpouryani@yahoo.com

³ Associate Professor, Department of Political Sociology, Islamic Azad University, Naraq branch. khairi@gmail.com



بررسی تأثیر طرح توسعه سیاسی در میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی افراد ۱۸ تا ۳۸ سال در استان مرکزی و توابع

10.30495/PIR.2023.1981310.3614

فروزان کیوانفر^۱، محمدحسین پوریانی^{۲*}، حسن خیری^۳

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷
--------------	---

چکیده

مشارکت عملی جمعی، آگاهانه و داوطلبانه است که از دخالت شهروندان در سطوح مختلف در امور عمومی گرفته تا انداختن رأی به صندوق برای رسیدن به نیازهای اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی را شامل می‌شود. مشارکت عقلایی‌ترین رفتار و کنش انسان‌ها در جامعه است که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه سیاسی گردد. از این رو رابطه مستقیم آن با مشارکت سیاسی ضروری است به قسمی که مشارکت سیاسی جزئی از رفتار اجتماعی محسوب می‌گردد که به واسطه آن شناخت رفتار سیاسی مردم را به واسطه کنش متقابل میسر می‌سازد و در ارتباط با بسترهای اجتماعی گوناگون این میزان مشارکت مصداقی برای حضور مردم در تعیین سرنوشت خودشان می‌باشد؛ لذا هدف از انجام این پژوهش بررسی میزان تأثیرپذیری توسعه سیاسی از مشارکت سیاسی - اجتماعی مردم در استان مرکزی می‌باشد که برای اثبات آن از روش پیمایشی استفاده شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای است، بر همین اساس از کل جامعه آماری به تعداد ۴۴۸۲۲۶ نفر، جمعیت بالغ بالای ۱۸ سال شهرستان‌های استان مرکزی، طبق محاسبه فرمول کوکران ۳۸۳ نفر حجم نمونه تعیین گردیده است و در ادامه به بررسی سوال استخراجی تحت عنوان؛ «میزان ارزیابی طرح توسعه سیاسی از چه طریق بر مشارکت سیاسی-اجتماعی افراد ۱۸ تا ۳۸ سال در استان مرکزی و توابع آن منجر می‌گردد؟» پرداخته می‌شود که نتیجه آن نشان‌دهنده چرخه‌ای فعال در مشارکت جدی در تمام زمینه‌ها است و بواسطه آن رشد جامعه‌مدنی و توسعه سیاسی احصا شده است. با توجه به مستندات موجود، توسعه سیاسی در ایران معاصر و بویژه استان مرکزی، بدلیل وجود موانع ساختاری، فقدان بسترهای لازم، نبود فرهنگ سیاسی توده مردم، روندی کند داشته‌است. طبق نتایج حاصل از روش تحقیق مذکور و بر مبنای پرسش مطرح‌شده بین متغیرهای وابسته‌ی مشارکت سیاسی-اجتماعی و میزان تأثیرپذیری توسعه سیاسی از این متغیرها رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد و توسعه سیاسی بیشترین تأثیرپذیری را از متغیر مشارکت سیاسی دارد.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، تأثیرپذیری مشارکت سیاسی، مشارکت سیاسی-اجتماعی، رفتار اجتماعی.

کیوانفر، فروزان؛ پوریانی، محمدحسین؛ خیری، حسن (۱۴۰۲). بررسی تأثیر طرح توسعه سیاسی در میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی افراد ۱۸ تا ۳۸ سال در استان مرکزی و توابع. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۵، صفحات ۲۹-۴۲.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق f.keyvanfar@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق. (نویسنده مسئول) mhpouryani@yahoo.com

^۳ دانشیار، گروه جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق. khairi@gmail.com

مقدمه

مشارکت عملی است که فرد با مجموعه‌ای از آگاهی‌های درونی و بیرونی خود، در امور مختلف شرکت کرده و نقش آفرینی می‌کند. بار معنایی مشارکت در عمق و اژه، مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی، مشارکت روحی روانی و مشارکت اقتصادی را در بر می‌گیرد. با وجود متون غنی در این زمینه موضوع مشارکت و علل و انگیزه‌های آن همچنان مورد گفت و گو و مباحثه است و اختلاف در این مقوله محسوس و درخور ملاحظه می‌باشد (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۸۵).

همانطور که مشارکت و ورود به فرایند توسعه سیاسی در اکثر جوامع به خصوص کشورهای توسعه نیافته از اهمیت خاصی برخوردار است. توسعه سیاسی یکی از شاخه‌های توسعه است با هدف رسیدن به پیشرفت همه‌جانبه، قطع وابستگی، افزایش مشارکت و رقابت احاد مختلف مردم، ایجاد تحولات عمیق ساختار و نظام اداری و اجتماعی در تمام بخش‌های جامعه‌های در حال گذار، این مهم زمانی رخ می‌دهد که مردم با مشارکت خود دلسوز شرایط جامعه خویش بوده و در تعیین سرنوشت خود گام بردارند. در بررسی توسعه سیاسی و یا عدم توسعه سیاسی در ایران عوامل داخلی و خارجی متعددی دخیل می‌باشند. پس وجود یک الگوی پیشرفت و توسعه متناسب با ساختار نظام و فرهنگ جامعه برای بقای هر جامعه و رهایی آن از بحران توسعه نیافتگی و همچنین شناخت آسیب‌ها و چالش‌های توسعه نیافتگی شرط ضروری است و تاکید بر اهمیت مشارکت مردم بعنوان عنصری خلاق و فعال در روند امور در الگوهای نوین توسعه و توسعه سیاسی با مؤلفه‌های بومی از اهمیت ویژه‌ای در ایران برخوردار است. با رخداد انقلاب اسلامی در ایران که ماهیتی ایرانی، اسلامی و مدرن بوده قاعدتا در راه توسعه و به ویژه توسعه سیاسی که مجموع سطح بالایی از رشد، پیشرفت، رفاه و آسایش مردم، عدالت محوری، مردم‌سالاری و مشارکت است کشور در راه توسعه گام‌هایی برداشته شده است و جمهوری اسلامی با تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روبرو بوده ولی با وجود بحران‌ها و دخالت عوامل تاثیرگذار داخلی و خارجی مسیر تحول و توسعه سیاسی را براحتی نتوانسته طی نماید و از روند رو به رشد، پیشرفت و توسعه خود دور مانده است. مساله این است که با وجود این عوامل و بحران‌ها (جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی، دخالت آمریکا، دولت‌های غربی و دولت‌های دست‌نشانده همسایگی‌ها و...) در مقاطع مختلف زمانی چالش‌های توسعه سیاسی و مشارکت مردم از زوایای مختلف باید مورد بحث و تحلیل قرار گیرد تا یک الگوی پیشرفت و توسعه بویژه توسعه سیاسی، به عنوان یک مدل بومی بر پایه سنت، فرهنگ و تاریخ ایرانی اسلامی این دیار، نظریه پردازی و برای رسیدن به توسعه سیاسی عرضه شود. استان مرکزی و شهر اراک که مدنظر این پژوهش است طبق مدارک موجود، میزان مشارکت‌کنندگان در زندگی سیاسی و تصمیم‌گیری سیاسی در بحث کلیه‌ی انتخابات در طول دهه گذشته یعنی در بین سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۵ با کاهش درصد مشارکت‌کننده همراه بوده است، این استان و بویژه شهر اراک یک شهر کاملاً صنعتی و برخوردار از صنایع بزرگ تولیدی است و بخش عظیمی از درآمد آن از بخش صنایع بدست می‌آید، با توجه به تحریم‌ها و وضعیت سیاسی کشور، تولید و فروش محصولات کارخانه‌های این شهر با رکود همراه بوده و هست و همین امر سبب فقر شهری و عدم دسترسی مردم به امکانات و تحقق توسعه‌شده است و قطعاً ادامه این شرایط سبب کاهش انگیزه مشارکت و حضور مردم، کاهش تعامل مردم و کارگزاران، کاهش همبستگی و اعتماد اجتماعی در عرصه‌های مختلف جامعه خواهد بود (زنگانه و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). مساله فرایند و شکل‌گیری توسعه سیاسی و میزان تاثیرپذیری آن از مشارکت در زمینه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای برنامه‌ریزان این استان باید مورد توجه قرارگیرد تا بتواند رشد و بالندگی جامعه مدنی و گسترش رقابت گروه‌های اجتماعی را در عرصه‌های مختلف جامعه را احصا نماید.

۱- پیشینه تحقیق

با توجه به عنوان جستار حاضر مبنی بر بررسی طرح توسعه سیاسی و مشارکت اجتماعی در استان مرکزی و توابع تشکیل‌دهنده آن در ابتدا به پژوهش محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۵)، با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی صور مختلف مشارکت در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن»، پرداخته شده است که این پژوهش با هدف تبیین جامعه‌شناختی صور مختلف مشارکت از جمله؛ مشارکت اجتماعی، سیاسی، روانی، فرهنگی و اقتصادی را شامل می‌شود که در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن انجام شده و نتایج حاصل از آن نشان داد که متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی، پیوند گروهی، رسانه‌های جمعی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی با متغیر وابسته مشارکت رابطه‌ی معناداری را شکل داده‌اند. همچنین نظری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال)»، با هدف مطالعه شناخت تاثیر مشارکت سیاسی جوانان بر توسعه سیاسی انجام سعی در بررسی و توصیف مولفات مشارکت سیاسی و ابعاد تشکیل‌دهنده آنها بر توسعه سیاسی داشته‌اند که با تحلیل متغیرهایی چون؛ اعتماد به رسانه‌های جمعی، اعتماد به افراد مذهبی، اعتماد به سیاسیون، اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی که بر میزان توسعه سیاسی تاثیرگذار است، میتوان این عوامل را که از جمله آن شاخص‌های مهم توسعه هستند که تمام تلاش تصمیم‌گیرندگان و سردمداران کشورها بخصوص جهان سوم را به خود اختصاص داده است. در همین راستا محسنی تبریزی و عباسی قادی (۱۳۹۳) در مقاله خود «تبیین و مقایسه مشارکت اجتماعی جوانان در دو جامعه ایران و تاجیکستان» که با استفاده از تکنیک پرسشنامه بر روی ۷۶۸ نفر از جوانان شکل گرفته است و در گروه سنی ۲۰-۲۹ سال قرار دارند. از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شده است، به این مهم دست یافتند که مشارکت اجتماعی جوانان علی‌رغم اینکه پایین‌تر از سطح استاندارد تعیین شده براساس میانگین امتیازات مجموع گویه‌ها بودند، تفاوت بسیار اندکی نیز بین دو جمعیت آماری ایران و تاجیکستان مشاهده داشته‌اند. علاوه بر این متغیرهای اعتماد اجتماعی، نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی، نوع روابط و تعاملات اجتماعی، نوع ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه، عملکرد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری، احساس نابه‌هنجاری اجتماعی، احساس از خودبیگانگی، بیگانگی اجتماعی- سیاسی، احساس محرومیت نسبی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی و سن جوانان رابطه معناداری را با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور نشان داده‌اند و در مجموع ۵۴ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی جوانان را شامل شده است. در جایی دیگر زنگانه و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «گستره‌های فضایی فقر شهری اراک، تحلیل فضایی مخاطرات محیطی»، نشان داده‌اند که با توجه به تلفیق شاخص‌های چندگانه اجتماعی و اقتصادی و کالبدی، هفت گستره‌ی اصلی در شهر شناسایی شدند که بجز بخش مرکزی، عمدتاً در حاشیه شهر قرار دارند. نتایج سطح‌بندی گستره‌های شناسایی شده حاکی از آن است که به لحاظ برخورداری و شرایط مطلوب زیستی بخش مرکزی در رتبه‌ی اول، محور ۲۰ متری میقان و محله‌های رودکی و باغ خلیج در رتبه‌ی دوم، محله‌ی داوران و کشتارگاه، محله‌ی فوتبال و کوی ولی عصر در رتبه‌ی سوم و سرانجام، کوی قنات ناصری در رتبه‌ی چهارم قرار دارند. در واقع لزوم رسیدن به توسعه منطقه‌ای، وجود نگرش همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، بر اساس شرایط محیطی و انسانی در هر منطقه است. به‌طور کلی هدف این مطالعه شناسایی شهرستان‌های محروم و تحلیل، بررسی و شناخت علل نابرابری‌های (گسست) موجود در شهرستان‌های استان مرکزی، براساس ۱۴ شاخص اقتصادی و اجتماعی است. نوع پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای و روش بررسی، توصیفی-تحلیلی است. از این رو در این مطالعه برای تحلیل و سطح‌بندی گزینه‌ها روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره به کار گرفته شده است. بر اساس نتایج، شهرستان‌های اراک و ساوه به عنوان شهرستان‌های برخوردار و شهرستان‌های شازند، دلجان و خمین از لحاظ شاخص‌های مورد مطالعه، به عنوان شهرستان‌های نیمه برخوردار و شهرستان‌های تفرش، محلات، زرنديه، آشتیان، و کميجان به عنوان شهرستان‌های محروم شناسایی شدند. به‌طور کلی، در

استان مرکزی دو منطقه مجزای توسعه شکل گرفته است که یکی به مرکزیت اراک و واقع در قسمت جنوبی استان بوده و دیگری در قسمت شمالی استان به مرکزیت ساوه که در حال رشد و توسعه می‌باشند. در نهایت نیز در پژوهش حاضر شایان ذکر است که با بررسی مفاهیم کلیدی چون؛ طرح توسعه سیاسی و سپس مساله فرایند و شکل‌گیری توسعه سیاسی و میزان تاثیرپذیری آن از مشارکت در زمینه سیاسی و اجتماعی برای برنامه‌ریزان این استان باید مورد توجه قرار گیرد تا بتواند رشد و بالندگی جامعه مدنی و گسترش رقابت گروه‌های اجتماعی را در عرصه‌های مختلف جامعه پوشش داده و به‌ظهور برساند.

۲- روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت آمیخته بوده و از نظر روش به‌شکل توصیفی-پیمایشی است. برای بررسی روند توسعه سیاسی در استان مرکزی ابتدا به بررسی وضعیت میزان مشارکت در ۱۲ شهرستان پرداخته شد که با در نظر گرفتن شاخص‌های طرح توسعه سیاسی و نهایتاً با ترسیم جدول آماری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روند میزان تاثیرپذیری توسعه سیاسی از مشارکت فرهنگی-اجتماعی جوانان پرداخته شده است. همچنین با آزمون‌های آماری کمی (رگرسیون) به تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS پرداخته شد. جهت احتساب اعتبار شاخص‌ها از اعتبار محتوایی، صوری کیفی و جهت احتساب روایی شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ با دامنه صفر تا یک بهره برده شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش مدل مفهومی و پرسشنامه می‌باشد، پرسشنامه براساس طیف لیکرت و سوال‌های آن از نوع سوال‌های بسته و پنج گزینه‌ای بوده است. سوال‌ها برای سنجش میزان تاثیرپذیری توسعه سیاسی از مشارکت فرهنگی-اجتماعی با شاخص-های آن تنظیم و طراحی شده است که به‌واسطه آن بتوان به میزان تاثیر فرهنگ‌سازی سیاسی با شرکت در فعالیتهای اجتماعی در بازه سنی افراد ۱۸ تا ۳۸ سال پاسخ داد.

۳- مبانی نظری

۳-۱ توسعه سیاسی

مفهوم توسعه از قوه به فعل رسیدن هماهنگ توانایی‌های گوناگون جامعه را نشان می‌دهد و متکی بر رهیافتی نظام‌وار از جامعه است. بنابراین بهترین وضعیت برای یک جامعه آن است که ابعاد گوناگون نظام اجتماعی هماهنگ باهم رشد یابند که به آن توسعه همه جانبه اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر نمی‌توان به راحتی از توسعه یک بعد جامعه بدون در نظر گرفتن ابعاد دیگر آن صحبت کرد (هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۴۷). در این میان «توسعه سیاسی» واژه‌ای جامعه‌شناختی است که از سوی مکاتب غربی به عنوان راهکاری برای کشورهای توسعه نیافته و جهان سومی ارائه گردیده است. «توسعه» به معنای بهبود و گسترش شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی و یا فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه می‌باشد. توسعه سیاسی در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. توسعه سیاسی دارای مفهوم ثابتی نیست؛ عده‌ای توسعه را تنها یک تحول مربوط به دنیای غرب میدانند که از آن ریشه‌گرفته است. بنابراین آن را الگوی مناسبی برای رهایی همه جوامع از فقر و مشکلات میدانند، همچنین عده‌ای دیگر توسعه را شرط بقای جامعه و حفظ استقلال آن میدانند. عده‌ای نیز اولویت را به ارزشها و ایدئولوژی و عدالت اجتماعی داده و به دنبال آن توسعه را مطرح میکنند و آن را برای خدمت به استقلال جامعه ضروری میدانند. توسعه سیاسی باهدف رسیدن به پیشرفت، صنعتی شدن، رفع فقر، رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری و اصطلاحات در تمام بخشهای جامعه و گذار از حالت نامطلوب زندگی گذشته به شرایط بهتر گام برمی‌دارد (نظری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸). در کنار اهداف نام‌برده، توسعه سیاسی با برخی مفاهیم دیگر در ارتباط است که عبارتند از؛ مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، تبلیغات سیاسی، ارتباطات سیاسی

و از همه مهمتر نوسازی. با این که نوسازی و توسعه گاهی مترادف به کار می‌روند، اما برخی از محققان، توسعه سیاسی را خیلی عالم‌تر از نوسازی سیاسی تلقی می‌کنند و معتقدند نوسازی سیاسی در بطن توسعه سیاسی است. نوسازی سیاسی را میتوان فرایندی تلقی کرد که طی آن، نقشه‌ای کارکردی استراتژیک جامعه به سازندگی و تولید مبادرت می‌ورزند. برخی نیز نوسازی را به ساختارهای سیاسی متنوع و تخصصی شده و نیز توزیع اقتدار سیاسی در میان کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴). در واقع اگر نوسازی سیاسی انجام نشود و گروه‌های نوظهور جذب نظام نشوند توسعه سیاسی بیرونی شکل می‌گیرد که به بی‌ثباتی به انواع طرق کودتا، شورش، طغیان، جنگ استقلال طلبانه و انقلاب منجر می‌گردد و این شرایط تنها در جوامع در حال گذار به وقوع می‌پیوندد (مشیرزاده، ۱۳۷۵). همچنین مشارکت نیز که بعنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایشی فرهنگ حاشیه‌نشینی و سلطه منافع فردی بر منافع جمعی، تقلیل از خود بیگانگی، روحیه تفرّدجویی، ثبات اجتماعی، ایجاد روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی و قبیله‌ای و قومی، از بین بردن تمرکزگرایی و نابرابری‌های اجتماعی و نیز تعمیق و بسط ارزش‌های دموکراتیک، گسترش مراکز قدرت و اقتدار، سهم شدن در منابع قدرت، تقویت و روحیه مسئولیت‌پذیری و احساس تعلق و تعهد در فرد، بسط عدالت اجتماعی و... از مهمترین تقویت پیوندهای مردم و سیستم حاکم در مقابل با تهدیدات مشترک همراه است که با افزایش بیگانگی اجتماعی در جامعه مشارکت سیاسی کاهش پیدا میکند و توسعه سیاسی همه‌جانبه در کشور محقق نخواهد شد. حسین بشیریه معتقد است که هدف و فرجام توسعه سیاسی، گسترش مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی است و یکی از ابزارهای توسعه سیاسی را آزادی گروه‌ها و نیروهای اجتماعی در مشارکت و رقابت سیاسی بر می‌شمارد (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۱). همچنین در میان نظریه پردازان توسعه در غرب کسانی پیدا شدند که از تجدیدنظر یا رد و نفی پروژه توسعه بر مبنای یکسان‌انگاری صحبت می‌کردند و یک مطالعات جدید نئومدرنیستی را بوجود آورد. هانتینگتون، دیوید اپتر، آیزنشتاد و بندیکس از جمله نظریه‌پردازان این مکتب هستند. آنان اعتقاد دارند که برای سیر نوسازی و توسعه سیاسی در کشورهای مختلف، می‌بایست راه کارهای متفاوتی را در نظر گرفت و الگوهای مختلفی را طرح کرد و مدل تک خطی نوسازی قابل پذیرش نیست. حرف اساسی نئومدرن‌ها این است که ما نمی‌توانیم به سهولت از کنار مسائل کشورهای در حال توسعه بگذریم و باید توجه کنیم که هریک از این کشورها، گرچه نهایتاً به مدرنیسم و تجدد به معنای غربی آن می‌رسند ولی چنین نیست که حتماً باید گذشته‌های خود را کنار بگذارند؛ بلکه بر عکس از طریق تجدید و نوسازی سنت‌ها و مذهب است که پیدایش یک جامعه مدرن مقبول و درون‌جوش در چنین جوامعی ممکن می‌شود و گرنه هرگونه راه حل تحمیلی و خارجی که ارتباطی با سنت‌های این کشورها نداشته باشد پیوندی با خاک و مرز و بوم ملی پیدا نمی‌کند و دوام نمی‌یابد (فوزی و معینی‌پور، ۱۳۸۸: ۴۷). در بررسی الگوهای توسعه سیاسی، اگر اختلافات بین الگوها و نظریه‌پردازان آنها را کنار بگذاریم، می‌بینیم که هدف نهایی در تمام این الگوها، جلب بیشترین رضایت‌مندی و لذت حسی برای بیشترین افراد جامعه است. آنان فایده‌گرایی مادی را در رأس تمام اهداف خود می‌دانند و این بدان معناست که هر چیزی که بیشتر غرایز و شهوات انسان را در ابعاد مختلف مادی (اقتصادی، جسمانی، قدرت طلبی، جاه طلبی و...) تأمین کند، به توسعه نزدیک‌تر است. نکته دیگر آنکه در رأس هدف‌گذاری این الگوها اعم از اهداف غایی و اهداف میانی (کارآمدی نظام‌ها، تقویت و ثبات نظام سیاسی و...) انسان و عقل فعال او قرار دارد. آنان معتقدند که انسان، موجودی فعال مطلق است و عقلانیت او تام و کامل است و در دنیای معاصر از بند قضا و قدرالهی و بنده خدا بودن خارج شده و صلاح و سداد خود را بطور مطلق تشخیص می‌دهد (هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۱۴۷ و ۱۴۸).

مشارکت سیاسی جایگاه بلندی را در جامعه شناسی سیاسی به خود اختصاص داده است و جنبه‌های مختلف آن مورد بحث و بررسی‌های پژوهش‌گران قرار گرفته است. مشارکت سیاسی با مهمترین مباحث مربوط به علم سیاست، نظیر احزاب، گروه‌های فشار، روابط مردم و حکومت، جامعه مدنی و نظایر آن پیوند عمیق و ناگسستنی دارد. با وجود متون غنی در این زمینه موضوع مشارکت و علل و انگیزه‌های آن همچنان مورد گفت و گو و مباحثه است و اختلاف در این مقوله محسوس و در خور ملاحظه می‌باشد و حقیقتاً همچنان در هاله‌ای از ابهام است (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۸۵). شرکت در انتخابات یکی از انواع مهم مشارکت سیاسی است که خود به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در انتخاب تصمیم‌گیرندگان سیاسی مشارکت و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به سیاست عمومی نفوذ و دخالت می‌نمایند. برای مثال؛ رای دادن در انتخابات معیار عمده اندازه‌گیری میزان مشارکت سیاسی مردم یک جامعه است. در ایران بالاخص پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انتخابات صرف نظر از اهمیتی که به طور معمول در یک نظام سیاسی مبتنی بر آرای مردم دارد. عملاً به عنوان شاخص و آزمونی در جهت تثبیت نظام سیاسی و میزان محبوبیت و حمایت آن در بین مردم تلقی می‌شود. از این رو مشارکت سیاسی جزئی از رفتار اجتماعی محسوب می‌شود چرا که اولاً به منزله یکی از ارکان و شاخص‌های عمده توسعه سیاسی به شمار می‌رود. ثانیاً رابطه تنگاتنگی با مشروعیت نظام‌های سیاسی دارد و ثالثاً به میزان زیادی بیانگر نوع نظام سیاسی هر جامعه‌ای می‌باشد. بنابراین مطالعه مشارکت سیاسی هر جامعه‌ای شناخت رفتار سیاسی مردم آن را میسر می‌سازد و مشخص می‌کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون میزان مشارکت سیاسی تحت تأثیر چه عواملی تغییر می‌پذیرد. مشارکت سیاسی یکی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است و یکی از اساسی‌ترین صورت‌های روابط اجتماعی بوده و به عنوان یکی از محورهای موضوعی در جامعه شناسی تلقی شده است. دایره المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی تعریف کرده است (مصطفی، ۱۳۷۵: ۱۹). همچنین مشارکت سیاسی شامل؛ شرکت آگاهانه و فعالانه در سطوح مختلف عرصه‌های سیاسی، شرکت در انتخابات و عدم بیگانگی سیاسی می‌باشد که در آن متغیر توسعه سیاسی با زیر مجموعه مشارکت سیاسی، افزایش رقابت در عرصه‌های سیاسی و عدم بیگانگی سیاسی از لوسین پای^۷، انتخاب شده است. لوسین پای، توسعه را در معانی مختلف زیر بکار برده است:

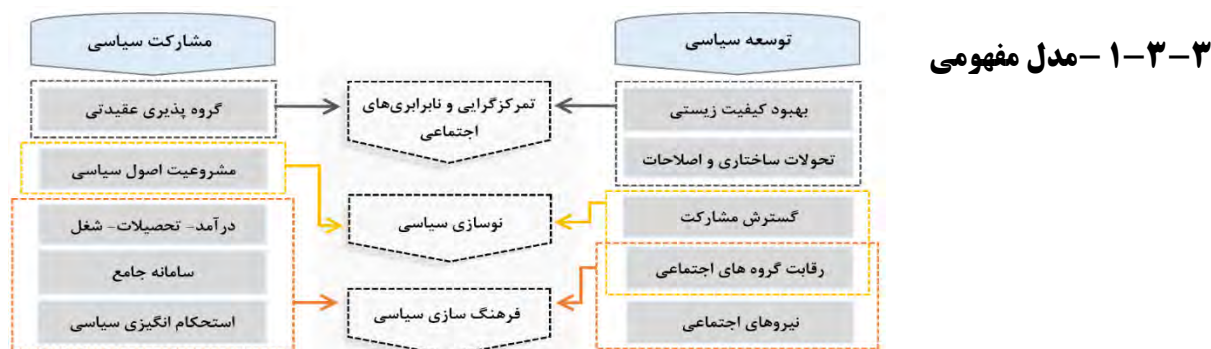
۱- استلزامات سیاسی توسعه اقتصادی ۲- سیاست نمونه جوامع سنتی ۳- نوگرایی سیاسی ۴- عملکرد دولت و ملت ۵- توسعه اداری - اقتصادی ۶- بسیج عمومی و مشارکت ۷- استقرار دموکراسی ۸- تغییر و تحول منظم و با ثبات ۹- بسیج و قدرت (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۳: ۵۱). سیمور مارتین لپیست نیز معتقد است؛ شرایطی که به مشارکت بالای اعضای گروه می‌انجامد در مقایسه با موقعیت‌هایی که در آن افراد علاقه و مشارکت کمتری در فرایندهای سیاسی دارند یکسان است. مهم‌ترین متغیرهایی که لپیست بر آنها تاکید می‌ورزد عبارتند از: درآمد، تحصیلات، شغل، رنگ (سیاه پوست، سفید پوست)، سن، جنس، محل سکونت، وضعیت تأهل، وضعیت و سامان جامعه (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۳). همچنین ساموئل هانتینگتون، دو نوع جامعه سیاسی را در نظر می‌گیرد؛ جامعه سنتی و مدرن. در جامعه سیاسی سنتی، تقاضای مشارکت سیاسی افزایش نمی‌یابد. در نقطه مقابل این جوامع، جامعه سیاسی مدرن وجود دارد به دلیل اقتضات زندگی اجتماعی و بالا بودن میزان تقاضای مشارکت سیاسی، سازوکارهای سنتی از عهده پاسخگویی به درخواست مشارکت سیاسی گروه‌های خواهان مشارکت بر نمی‌آیند و به جای آنها نهادهای سیاسی، عهده‌دار نگره داشت اقتدار و ثبات سیاسی حکومت هستند. از این رو شخصی چون پیتروسون معتقد است در مسیر فرهنگ سازی سیاسی برای نیل به توسعه سیاسی، مجبور هستند سه اصل نسبتاً ناسازگار را باهم سازگار کنند. آزادی و انتخاب فرد، آزادی رسانه و تعهد رسانه نسبت به جامعه که برای حل این ناسازگاری‌های بالقوه راه حل واحدی وجود ندارد، اما نظریه مذکور به دو راه حل اصلی متمایل

⁷ Lucien Pye

است. اوّل رشد نهادهای عمومی، اما مستقل برای مدیریت پخش امواج (تحولی که به نوبه‌ی خود دامنه و استحکام سیاسی مفهوم مسئولیت اجتماعی را گسترش می‌دهد) و دوّم رشد بیشتر حرفه‌ای‌گرایی همچون؛ ابزار تحقق استانداردهای بالاتر عمل در عین حال که اصل خود - مدیریتی رسانه‌ها نیز حفظ می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۳۴). دانیل لرنر^۸ نیز با طرح نظریه «گذر از جامعه سنتی، نوسازی خاور میانه» بر اساس تحقیق و پژوهش خود در کشورهای ایران، ترکیه، مصر، سوریه، اردن و لبنان نتیجه می‌گیرد: ارتباطات جمعی عامل مهم تحرک جوامع سنتی و تبدیل انسان‌ها از حالت سنتی به متجدد می‌باشد. وی در این زمینه، تحرک جغرافیایی، سوادآموزی، استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اقتصادی و سیاسی را مهمترین مراحل نوسازی کشورهای جهان سوم معرفی می‌کند (لرنر، ۱۳۸۳: ۶۲۴).

۳-۳- مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی شامل؛ متغیرهای اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی و هم‌اندیشی می‌باشد. در این راستا جامعه شناختی یا همان رویکرد اجتماعی از رویکردهای عمده در تبیین مشارکت سیاسی به شمار می‌رود که از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این رویکرد می‌توان به لیپست اشاره کرد. او در آثار مختلفی به بررسی عوامل تاثیرگذار بر مشارکت پرداخته است. از آنجاکه این پژوهش بر میزان تاثیرپذیری توسعه سیاسی از مشارکت اجتماعی و سیاسی و رابطه آن تمرکز دارد، پس متغیرهای پژوهش شامل؛ مشارکت اجتماعی با زیر مجموعه‌های؛ اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، دگرگونی ارزش‌ها از پاتنام و هانتینگتون، متغیر مشارکت سیاسی با زیر مجموعه‌های؛ شرکت آگاهانه در عرصه‌های سیاسی و شرکت در انتخابات از لیپست انتخاب شده است. همچنین از نظر پاتنام، اعتماد یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است. اعتماد همکاری را تسهیل میکند و هر چه سطح اعتماد در جامعه‌ای بیشتر باشد، احتمال همکاری بیشتری است. در جوامعی که مردم مطمئن هستند اعتماد مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد بیشتر به مبادله و معامله می‌پردازند و این مبادلات خود به توسعه هنجار متقابل عمومی منتهی می‌شود. از طرفی مردمی که باهم ارتباط نزدیک دارند و دارای حس مشارکت متقابل اند اجازه نمیدهند سیاستی شکل بگیرد که شکاف بین فقرا و ثروتمندان را گسترده سازد (نظری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱). همچنین ماری لوین می‌افزاید؛ بیگانگی سیاسی - اجتماعی واقعیتی فکری است که در آن فرد احساس می‌کند بخشی از روند اجتماعی و سیاسی جامعه نیست و معتقد است که شرکت او موجب تغییری نمی‌شود. بیگانگی اجتماعی - سیاسی ممکن است به صورت احساس بی‌قدرتی، بی‌معنی بودن، بیگانگی شدن از فعالیت اجتماعی و بی‌هنجاری بروز کند. احساس بی‌قدرتی آن‌ها ناشی از این عقیده است که اجتماع را رای دهندگان کنترل نمی‌کند بلکه اقلیتی قدرتمند و با نفوذ که به رغم نتایج انتخابات در موضوع کنترل باقی می‌ماند اداره می‌کند و احساس بی‌قدرتی نیز متقابلاً این عقیده را تقویت می‌کند (علمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴).



از منظر نظریات عنوان شده در مبانی نظری جستار، با بهره از رویکرد سیاسی - اجتماعی و با توجه به میزان تاثیرپذیری توسعه سیاسی از مشارکت سیاسی - اجتماعی در استان مرکزی و توابع مذکور تلاش بر آن شد که با بهره از واژگانی

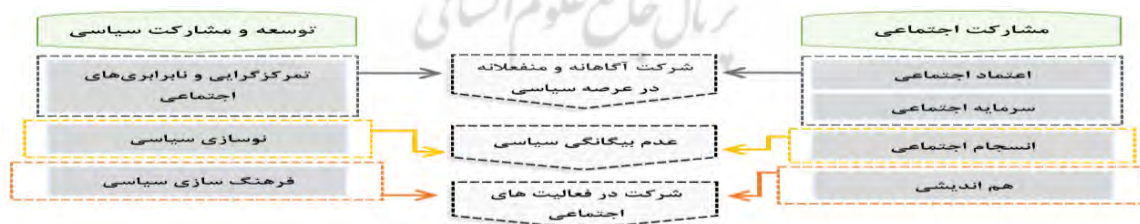
چون؛ توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی که خود زیرمجموعه‌ای از آن می‌باشد به حاصل جمع مولفه‌های استخراجی همچون؛ تمرکزگرایی و نابرابری‌های اجتماعی که از درون خود این مولفه به واسطه اهم اصالت موضوع چون تمرکزگرایی سیاسی بتوان به اصلی چون نوسازی سیاسی دست یافت که به واسطه شناسایی این مولفه و از طریق مشروعیت سیاسی و گسترش ابعاد مختلف سیاسی به فرهنگ برگرفته از نوسازی سیاسی پاسخگو بود که این خود به واسطه هم‌ارزی با نظریات پژوهشگران عنوان شده که جدول آن در ذیل نیز آورده شده، می‌تواند از منظر توسعه سیاسی و در ارتباط با مشارکت سیاسی - اجتماعی قابل تحلیل باشد.

جدول ۱- جدول چهارچوب نظری

نظریه پرداز	متغیرها	شاخص‌ها	مکتب
دانیل لرنر	وقوع شهرنشینی، توسعه آموزش عمومی و وسایل ارتباط جمعی، توسعه رسانه، مشارکت فعالانه- مشارکت سیاسی - کنش متقابل، همدلی	مشارکت روانی، همدلی، شخصیت سنتی و شخصیت مدرن	نوسازی - توسعه
لوسین پای	پاسخگویی، تنوع ساختاری، تخصصی شدن، بسیج عمومی، نوگرایی سیاسی	مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی	توسعه سیاسی
لیپست	درآمد، تحصیلات، شغل، محل سکونت، تاهل، منزلت، جنسیت، سن، مذهب و ...	مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی	توسعه سیاسی
رابرت پاتنام	سرمایه اجتماعی، مدرنیته اجتماعی اقتصادی، جامعه مدنی، اعتماد	همبستگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی	نوسازی، توسعه سیاسی
ساموئل هانتینگتون	مشارکت، نوسازی، نخبگان، عضویت در گروه‌ها، انسان نوگرا، دگرگونی ارزش‌ها در افراد	نوسازی، مشارکت، مشارکت اجتماعی	نوسازی
ریچارد پیترسون	رسانه، آگاهی، آزادی رسانه‌ها	فرهنگ سازی سیاسی، مصرف کالاهای فرهنگی	توسعه سیاسی

۴- یافته‌ها

با توجه به مدل مفهومی تنظیم گشته و ادغام آن با نظریات نظریه پردازان سیاسی - اجتماعی میتوان به تاثیر مولفه‌های استخراجی و حاصل اشتراک آن از منظر نظریه پردازان پی به معیارهای اجتناب‌ناپذیر میان متغیرهای مدنظر برد. به شکلی که سعی شد با بهره از مولفه‌های استخراجی از توسعه و مشارکت سیاسی همراه با مشارکت اجتماعی بتوان به کلیدواژگانی دست یافت که حاصل تحلیل آنها بتواند منجر به تفسیر تدقیق شده‌ای از مولفات مدنظر باشد.

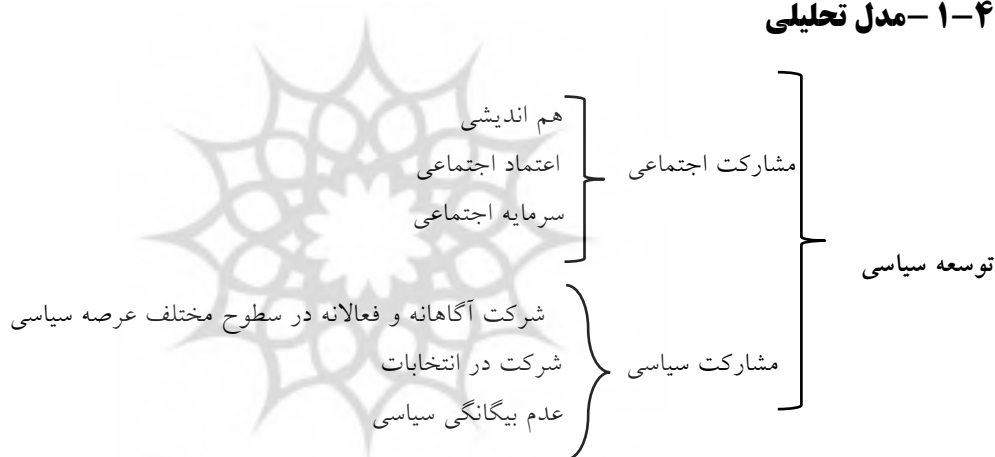


با توجه به مولفه‌های استخراجی از مدل تحلیلی مزبور که برآمده از مشارکت سیاسی - اجتماعی می‌باشد میتوان دریافت که به واسطه تمرکزگرایی و اعتماد اجتماعی، شرکت آگاهانه در فعالیت‌های اجتماعی و بر مبنای نابرابری‌های اجتماعی و عدم استفاده از پتانسیل سرمایه اجتماعی، فعالیت‌های منفعلانه در عرصه سیاسی حادث می‌گردد. لذا به واسطه نوگرایی سیاسی و انسجام اجتماعی برخاسته از آن از منظر توزیع درصد فراوانی پاسخگویان به تفکیک سن و شهرستان، عدم بیگانگی سیاسی استخراج می‌گردد که این استخراج به واسطه فرهنگ سازی و هم‌اندیشی ممتد اجتماعی منجر به شرکت فعالانه در عرصه‌های اجتماعی خواهد گردید.

نام متغیر	تفکیک طبقه سنی	فراوانی	درصد فراوانی
-----------	----------------	---------	--------------

سن	۱۸-۳۰ سال	۷۵	۱۹
	۳۱-۳۸ سال	۱۰۵	۲۷
شهرستان	اراک	۱۰۰	۲۶/۰۴
	آشتیان	۳۰	۷/۸۱
	زرنديه	۲۵	۶/۵۱
	دلیجان	۳۰	۷/۸۱
	شازند	۲۲	۵/۷۳
	ساوه	۲۵	۶/۵۱
	محلات	۳۵	۹/۱۱
شهرستان	خمین	۲۰	۵/۲۱
	تفرش	۳۰	۷/۸۱
	کمیجان	۳۲	۸/۳۳
	فراهان	۱۵	۳/۹۱
	خنداب	۲۰	۵/۲۱

۱-۴- مدل تحلیلی



حال استفاده از ضریب آلفای کرونباخ شاخص کاملاً مناسب برای بدست آوردن اعتبار و هماهنگی درونی بین سوالات و مولفه‌های آن در پرسشنامه مربوط به این پژوهش است. از همین رو با استفاده از نرم افزار SPSS، به محاسبه‌ی این مقدار پرداخته شده که به قرار جدول زیر است:

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
مشارکت فرهنگی	۰/۷۶۶
مشارکت اجتماعی	۰/۷۹۶
مشارکت سیاسی	۰/۷۸۲
توسعه سیاسی	۰/۷۶۳
کل	۰/۷۷۷

همانگونه که ارقام جدول (۴) نشان می دهد پرسش نامه دارای پایایی ۰/۷۷۷ می باشد.

نتایج به دست آمده نشان داد که مشارکت اجتماعی - سیاسی و فرهنگی در سطح خطای (۰.۰۵)، بر توسعه سیاسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. طرح توسعه سیاسی در ارتباط با مشارکت سیاسی دارای تأثیرپذیری مثبت و معناداری می باشد. به قسمیکه به واسطه نتایج بدست آمده، مشارکت سیاسی در سطح خطای (۰.۰۵) در توسعه سیاسی تأثیر مثبت و معناداری داشته که میزان تاثیرگذاری مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی نیز (۵۳.۳) می باشد. همچنین توسعه سیاسی با

مشارکت اجتماعی نیز دارای تاثیرپذیری مثبت و معناداری است به نحویکه به واسطه نتایج بدست آمده، مشارکت اجتماعی در سطح خطای (۰.۰۵) بوده که بر توسعه سیاسی تاثیر مثبت و معناداری حائز می گردد و در ادامه میزان تاثیرگذاری متغیر مشارکت اجتماعی نیز به توسعه سیاسی، میزان (۴۲.۵) درصد را شامل می شود. لذا به واسطه نتایج بدست آمده، توسعه سیاسی نسبت به مشارکت اجتماعی - سیاسی در سطح خطای (۰.۰۵) درصد بوده که این موضوع به واسطه ضرایب معادله رگرسیونی آزمون انجام شده تاثیر این مشارکت را در ذیل نشان داده است:

جدول (۴). ضرایب معادله رگرسیونی آزمون رگرسیون با متغیر وابسته توسعه سیاسی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره (t)	سطح معنی داری
	B	Std.Error			
مقدار ثابت	۰/۶۸۱	۰/۱۰۷	۳/۸۱۸		۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۰/۲۳۶	۰/۰۳۶	۰/۳۲۳	۶/۵۳۰	۰/۰۰۰
مشارکت سیاسی	۰/۱۲۸	۰/۰۵۸	۰/۱۲۴	۲/۴۷۶	۰/۰۳۵

جدول (۵). میزان تاثیرپذیری توسعه سیاسی از مشارکت اشکال مختلف مشارکت اجتماعی و سیاسی

متغیر	میزان تأثیر
مشارکت سیاسی	۵۳/۳
مشارکت اجتماعی	۴۲/۵

۵- تحلیل یافته ها

همانگونه که در جدول فوق قابل ملاحظه است، میزان تاثیرپذیری توسعه سیاسی از مشارکت سیاسی ۵۳/۳ درصد و میزان تاثیرپذیری توسعه سیاسی از مشارکت اجتماعی ۴۲/۵ درصد می باشد. با توجه به اعداد به دست آمده می توان گفت مشارکت سیاسی بیشترین تاثیرگذاری را بر توسعه سیاسی دارد. همچنین بررسی روند توسعه سیاسی باتوجه به میزان تاثیر این دو نوع مشارکت در ایران نشان می دهد زمینه های رقابت سیاسی، مشارکت مردمی، تشکل های سیاسی، ایجاد جامعه مدنی و مردم سالاری درحوزه های اجتماعی، سیاسی نیاز به توجه بیشتری دارد تا سبب تغییر شرایط موجود گشته و فرایند پیشرفت و توسعه سیاسی را فراهم نماید. وجود الگویی بومی و متناسب با آرمان های اسلامی ایرانی از توسعه سیاسی جهت مشارکت بیشتر توده مردم برای نظام سیاسی و دولتمردان ایران در تدوین برنامه های چندساله بسیار مهم و ضروری است. در این راستا و در جهت اطلاع از عناصر دخیل در مشارکت و توسعه سیاسی به ترسیم جدولی از نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت ها که می تواند در تدوین برنامه های توسعه برای کارگزاران دولت موثر و کارگشا باشد پرداخته شده است:

جدول (۶) - نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت ها

میزان تأثیر بر توسعه سیاسی	نقاط قوت	نقاط ضعف	تهدیدها	فرصت ها
مشارکت سیاسی	حمایت از مشارکت مردم	شفاف نبودن سیاستهای حمایتی دولت	کاهش مشارکت	توسعه روابط سیاسی درون شهری و استانی
	وجود فعالان عرصه سیاسی	بی اعتمادی مردم نسبت به احرای قوانین و مقررات و پاسخگویی دولتمردان	عدم به نتیجه رساندن اهداف سیاسی	شفافیت در اقدامات و برنامه ریزی
	نزدیکی به تهران	کمبود زیرساخت های فنآوری	تأثیر جهانی شدن	ایجاد خرد جمعی و جامعه دانایی محور

مشارکت اجتماعی	
۴۲/۵	<p>مهاجرت و پذیرش و تعامل فرهنگی</p> <p>وجود اسکان های غیر رسمی</p> <p>افزایش بی سواد</p> <p>افزایش عدالت، سرمایه و امنیت اجتماعی</p>
	<p>جمعیت جوان</p> <p>بیکاری و گرایش به اعتیاد</p> <p>عدم جذب جوانان</p> <p>مدیریت شهری توسعه اقدامات شهرسازی</p>

۶- نتیجه

سیر توسعه سیاسی در ایران در طول بیش از چهل سال همواره با مشکلات داخلی و خارجی زیادی همراه بوده و همین عوامل مانع رشد و پیشرفت در این زمینه شده است. با وجود بحران‌های دوران انقلاب اسلامی سعی بر توسعه شاخص‌های مشارکت و توسعه سیاسی از قبیل مشارکت توده ای، تقویت نهادهای دموکراتیک گسترش فرهنگ سیاسی، نهادینه کردن جامعه مدنی، تاکید بر مشروعیت قانونی نظام شده، ولی طبق بررسی‌های بعمل آمده صفحه ای دیگر بر توسعه نیافتگی سیاسی ایران و جامعه آماری موردنظر تحقیق استان مرکزی رقم خورده است. بررسی‌های موجود درباره مشارکت و توسعه سیاسی نشان می‌دهد به لحاظ پیچیدگی توسعه سیاسی هیچگاه این فرایند مسیری هموار و بدون مشکل نداشته است، بویژه در کشورهای جهان سومی همچون ایران، که در برخی مواقع که دولت‌ها مطالبات مردم را در نظر داشته و مردم نیز اهداف حاکمیت را مورد توجه قرار داده‌اند، زمینه پیشرفت و توسعه فراهم شده ولی استقرار کامل توسعه سیاسی تعامل هرچه بیشتر بین مردم و ساختار حکومتی را لازم دارد و این مهم در مشارکت نهفته است. در این پژوهش که با هدف بررسی میزان تأثیرپذیری توسعه سیاسی از مشارکت اجتماعی - سیاسی انجام شد، نتایج به دست آمده نشان داد که بین تأثیرگذاری میزان مشارکت اجتماعی با زیر مجموعه‌های اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی و هم‌اندیشی بر توسعه سیاسی در استان رابطه معنا داری وجود دارد. بین میزان مشارکت سیاسی با زیرمجموعه‌های مشارکت در انتخابات، عضویت در گروه‌های اجتماعی و شرکت فعالانه در عرصه‌های سیاسی، عدم بیگانگی سیاسی، رقابت گروه‌های اجتماعی و تأثیر مستقیم این متغیرها بر توسعه سیاسی رابطه‌ی مستقیم و تنگاتنگی وجود دارد و از بین متغیرهای مذکور، توسعه سیاسی بیشترین تأثیرپذیری را از مشارکت سیاسی و درجه بعدی بیشترین تأثیرپذیری را از مشارکت اجتماعی دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت می‌بایست عوامل تأثیرگذار بر توسعه سیاسی، تقویت، ارتقاء و افزایش یابند تا زیرساخت‌های اساسی توسعه سیاسی سریعتر شکل گیرد، از طرفی طبق پژوهش بعمل آمده میتوان نقاط قوت و ضعف، تهدیدها و فرصت‌های پیشروی توسعه سیاسی در استان مرکزی و توابع را شناسایی، تقویت، ارتقاء، افزایش، کاهش و یا حذف نمود، در غیر اینصورت فرایند توسعه سیاسی در این استان مسیر دشوار و سختی را پیشرو داشته و خواهد داشت.

۷- پیشنهادات

الف- در راستای یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱- با توجه به مساله توسعه سیاسی در این استان و براساس میزان تأثیر هرکدام از صور مشارکت برای تحقق زیرساخت‌های توسعه سیاسی، اتخاذ روش‌های علمی به ویژه در سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت توسعه شهری در شهرهایی از این استان که از فقر شهری رنج می‌برند لازم و ضروری است، بعبارتی با ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و تولیدی بخصوص در بخش صنعت یعنی ایجاد شهرک‌های صنعتی و جذب فعالیت‌های اقتصادی، شهرستان‌های محروم این استان (فراهان، نقرش، کمیجان، آشتیان، زرنديه، خنداب) در مسیر توسعه قرار گیرند.

- ۲- از آنجائیکه اراک و ساوه که قطب صنعت این استان محسوب شده و جزو شهرهای برخوردار از قابلیت مشارکتی در عرصه‌های جمعی هستند باید سیاست تمرکز زدایی و انحصار قدرت اقتصادی را از میان برداشت و از ایجاد صنایع بیشتر در این شهرها جلوگیری کرد و به توسعه مناطق محروم این استان پرداخت.
- ۳- باید زیرساخت فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی برای جذب افراد و مهاجرت به سایر شهرهای نیمه برخوردار و محروم ایجاد گردد، مراکز آموزشی و اجتماعی موجود تقویت شوند.
- ۴- استفاده و بکارگیری از پتانسیل‌های موجود در شهرستان‌های نیمه محروم و محروم، مثل تقویت صنعت گردشگری در شهرستان‌های شازند و محلات، توسعه یابند تا در جهت مشارکت سیاسی-اجتماعی تدقیق شود.
- ۵- ایجاد ارتباط فرا منطقه‌ای در زمینه‌های صنعتی، کشاورزی، اقتصادی در شهرهای زرننده و ساوه بدلیل همجواری با استان تهران تقویت شود.

ب- به سایر محققین پیشنهاد می‌شود:

- تاثیر مشارکت جوانان به عنوان عضوی فعال در توسعه سیاسی در این استان، از منظر نقش‌پذیری در مشارکت سیاسی- اجتماعی به منظور اتصال نقاط کانونی در طرح چرخه توسعه سیاسی اجتماعی و میزان تاثیرپذیری این نقاط از یکدیگر مبحث تحقیقات بعدی قرار گیرد.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۹). نظریه‌های اجتماعی معاصر توسعه با رویکرد توسعه. تهران: انتشارات نشر علم، چاپ اول.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران. تهران: انتشارات موسسه نشر نوین.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۸). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: انتشارات گام نو.
- جعفری کلاریجانی، سید احمد و آذین، احمد و محمدی، اصغر (۱۳۹۹). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت سیاسی در بین جوانان استان مازندران». مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره دوازدهم، شماره ۲.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زنگانه، احمد و تلخابی، حمید رضا و گازرانی، فریدون و یوسفی فشکی، محسن (۱۳۹۴). «گستره‌های فضایی فقر شهری اراک». تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، دوره دوم، شماره اول، صص ۹۳-۱۰۷.
- علمی، محمود و تقی‌لو، فرامرز و موسی‌زاده، رحیم (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد نوده». فصلنامه جامعه‌شناسی، دوره دوم، شماره ششم، صص ۱۵۴-۱۳۱.
- فرجی ملائی، امین و علیوردیلو، هادی (۱۳۹۴). «تحلیل ماتریس فضایی گسست توسعه منطقه‌ای در استان مرکزی». فصلنامه آمایش سرزمین، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۳۰۶-۲۷۷.
- قادری، طاهره و میرزایی، ساناز (۱۳۹۲). «بررسی نقش نفت در توسعه سیاسی: مطالعه تطبیقی ایران، مالزی، ترکیه و عربستان». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره اول، صص ۳۸-۳.

- لرنر، دانیل (۱۳۸۳). گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه. ترجمه: غلامرضا خواجه‌سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محسنی تبریزی، علیرضا و آقاجانی، حسین و عزیزخانی، اقباله (۱۳۹۵). «تیین و مقایسه اجتماعی جوانان در دو جامعه ایران و دوشنبه». *مجله جامعه شناسی شهری ایران*، دوره پانزدهم، شماره سوم، صص ۱۳۱-۹۳.
- محسنی تبریزی، علیرضا و عباسی قادی، مجتبی (۱۳۹۳). «تیین جامعه شناسی صور مختلف مشارکت در بین شهروندان خلخال و عوامل موثر بر آن». *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری*، دوره ششم، شماره نوزدهم، صص ۱-۳۲.
- مرادی حقیقی، فائزه و موثقی گیلانی و سیداحمد (۱۳۹۴). «کارکرد اجتماعی و فرهنگی مذهب در توسعه اقتصادی مالزی». *پژوهشنامه روابط بین الملل (مطالعات روابط بین الملل)*، دوره هشتم، شماره سی و یکم، صص ۹۶-۶۹.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۵). «مروری بر نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی». *نشریه راهبرد*، شماره نهم، صص ۱۵۶-۱۰۷.
- مصفا، نسرین، (۱۳۷۵). *مشارکت سیاسی زنان در ایران*. تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.
- نظری، سیدغنی و بشیری گیوی، حسین و سعید جنتی (۱۳۹۲). «بررسی تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی». *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ششم، شماره اول، صص ۱۴۶-۱۳۷.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹). *سامان سیاسی در جوامع در حال دگرگونی*. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹). *اهداف توسعه در درک توسعه سیاسی*. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Putnam, R. D. (1993). "Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy". Princeton: Princeton University press.

Putnam, R. D. (2000). "Bowling Alone: The Collapse and Revival of American community". New York: Simon and Schuster.